پژوهشی در تاریخ جنوب

طاهری باورساد، محمدکاظم

کند و کاو در پیشینه تاریخی شهرهای کهن کشورمان، جدای از تخصص و تجربه، نیازمند انگیزه‏ای نیرومند و عزمی راسخ است . دلبستگی به زادگاه و شناخت منطقه محروم دیلم و لیراوی، به پژوهشگر جوان «علیرضا خلیفه‏زاده» جرات بخشیده تا جغرافیای خطری وسیعی از کشورمان را که کمتر شناخته شده، با پژوهشی پیمایشی و اسنادی، به عرصه تحقیق بکشاند . بر این اثر، محمد کاظم طاهری نقدی نوشته و ضمن معرفی اجمالی بخش‏های متنوع کتاب، به بحث در نکات مثبت اثر پرداخته و برخی از کاستی‏های کتاب را نیز یادآور شده است .

«هفت شهر لیراوی و بندر دیلم» عنوان پژوهشی است سترگ، که حاصل چهار - پنج سال تلاش و کوشش پیگیر و خستگی‏ناپذیر و بی‏وقفه پژوهشگر جوان دیلمی، آقای «علیرضا خلیفه‏زاده» است . خوب می‏دانیم که چنین پژوهش‏هایی که بیشتر فراهم آمده پرس و جو و کند و کاو در اسناد محلی و مصاحبه با سالمندان محل است تا بررسی و تورق کتب خطی و چاپی بسیار معدود، چه اندازه توان‏فرسا و مردافکن است . به ویژه پژوهشی مانند پژوهش حاضر که نخستین اثر در مانحن فیه است و اولیای امور به حق مقام اول در پژوهش‏های تاریخ استان بوشهر در سال 2831 را، بدین اثر اختصاص دادند .

باری، اثر مزبور در ده فصل و در افزون بر 007 صفحه تمام زوایای تاریک منطقه محروم دیلم و لیراوی را همراه با اسناد و مدارک و عکس‏های متعدد روشن کرده و به ضرس قاطع می‏توان گفت که هیچ نقطه تاریکی در مورد تاریخ این مناطق باقی نگذاشته است . کتاب، با پیشگفتار مولف و سپس مقدمه وی در پیشینه «هفت شهر لیراوی و بندر دیلم» قلمی شده و سپس وضعیت دیلم از کهن‏ترین ادوار تاریخ «دوره عیلامیان - تا هخامنشیان و سلوکیان و اشکانیان و ساسانیان را بررسی و در ادامه فصل نخست، به رستاق ریشهر یا «ریواردشیر» پرداخته است .

رستاق، چنان که مولف کتاب نیز یادآور گردیده به مجموعه چند دیه که در کنار هم قرار گرفته باشند، گویند . و اما درباره «ریشهر» چند فرضیه تاکنون مطرح شده است . بعضی از محققان مانند دکتر سید جعفر حمیدی، ایرج افشار سیستانی و احمد اقتداری «ریشهر» را همان قریه «ریشهر» که هم اینک در حومه بوشهر است،

فرض کرده‏اند، لیکن مؤلف به نظر محققان دیگر گراییده (که در اقلیت‏اند) و «ریشهر» به زعم وی در منطقه دیلم ولبراوی واقع بوده است . اثبات این که کدام فرضیه به صحت نزدیک‏تر است را تا باستان‏شناسی کامل مناطق فوق و ریشه‏یابی لغات و ارتباط آنها به شهر ری - که آیا اهالی ریشهر مهاجر از شهر ری بوده‏اند یا خیر؟ به صراحت نمی‏توان تعیین کرد .

باری، مؤلف در پژوهش مفصل خود، از سه گروه محققان سود جسته است: 1 - مورخان قدیم . مانند ابن حوقل، مقدسی، ابن بلخی و ... 2 - سیاحان خارجی . مانند پاول شواتس، هاینس گاوبه و ... 3 - پژوهندگان معاصر، مانند: احمد اقتداری، دکتر جعفر حمیدی، ایرج افشار سیستانی و ...

فصل دوم کتاب درباره شهر تاریخی «سینیز» یا «شینیز» است که از دیرگاهان، مرکز صنعت بافندگی و کشت کتان بوده است .

در فصل سوم «اسلجان» یا «شهر ویران» و در فصل چهارم «بندر ماه رویان» را تاریخ‏یابی کرده است . که متأسفانه مؤلف به اقتضای بعض دیگر محققان ناآگاه این بندر باستانی را سهوا «مهروبان» قید کرده‏اند . حال آن که نام درست این بندر «ماهرویان» است که از دو بخش «ماه» به معنی شهر و «رویان» که عنوان آن شهر بوده، ترکیب شده است . ما این پیشوند را در اسامی همچون «ماه نهاوند» ، «ماه بصره» و «ماه شهر» نیز می‏بینیم .

در فصول پنجم و ششم کتاب «سنجاهان» و «قوستان» و در فصل هفتم که کامل‏ترین فصل کتاب است به تفصیل به منطقه «لیراوی» پرداخته شده است و در واقع این نخستین بار است که با این تفصیل به منطقه توجه شده است و پیش از این، جز چند مقاله جسته و گریخته در نشریات بومی مطلبی پربار در این اندازه، مکتوب نشده بود .

دشوارترین مرحله نگارش اثر حاضر نیز همین بخش است . چرا که چنانکه گفتیم آثار مکتوبی در این زمینه موجود نبوده و مؤلف با رنج توانفرسایی، تمامی اسناد و مدارک بومی و محلی را کاویده است که واقعا باید به وی دست مریض‏زاد گفت .

و سرانجام در فصل پنجم به وضعیت تاریخی «بندر دیلم» پرداخته است . در پایان نیز عکس مدارک، اسناد و تصویر جمعی از خوانین و معتمدان محلی چاپ شده است .

و اما بعد، چند نکته جهت اصلاح یادآوری می‏شود:

1 - مؤلف، در برخی از جاهای کتاب، از مالیات «گوش خری» نام برده، لیکن نگفته است که این اصطلاح به معنی «راهزنی» است .

2 - در صفحه پ پیشگفتار نگاشته‏اند: «به منظور تقدیر از شورای شهر دیلم (در دوره اول) که مبلغ 000/000/2 از هزینه ...» ولی این مبلغ معلوم نیست که به ریال است یا تومان؟

3 - عیلام را مؤلف همه جا به شکل ایلام نگاشته است که جای ایراد دارد . شهر ایلام مرکز کهکیلویه را با «الف» و تمدن عیلام را با حرف «عین» می‏نگارند . استاد ملک الشعرای بهار نیز در «سبک‏شناسی» به همین شکل «عیلام» نگاشته‏اند .

4 - در بعض بخش‏های کتاب، مؤلف با گمان و احتمالات به ارایه احکام تاریخی پرداخته‏اند که قدری از مستند بودن پژوهش می‏کاهد .

5 - به نظر می‏رسد بعضی بخش‏ها و مطالب کتاب، صرفا جهت حجیم شدن پژوهش اضافه شده است و ارتباط مستقیمی به اصل تحقیق ندارد . از جمله بخش‏هایی که به مناسبات خصوصی خوانین منطقه پرداخته است که از نظر اخلاقی نیز عمل چندان درستی نیست .

6 - مؤلف محترم در صفحه 14 پیشنهاد داده‏اند که از این پس «رستاق» به معنی «دهستان» ترجمه شود . از ظاهر سخن، چنین بر می‏آید که مؤلف این اصطلاح را خود ابداع کرده‏اند! حال آنکه از قدیم‏الایام - مثلا در «تاریخ بیهقی» و ... - رستاق، به همین معنی استعمال می‏شده است .

7 - در صفحه 15، گفته‏اند که «ظاب» همان رود جراحی است . حال آن که ظاب رود «زیدون» است نه جراحی .

8 - در صفحه 16، مؤلف نخست «دیرجان» را مرکز ریشهر و سپس فاصله بین آن دو را ده کیلومتر دانسته است!

مؤلف گرامی در صفحه 18، از قول ابن بلخی نوشته است: «ریشهر، شهرکی است برکنار دریا ...» پس ریشهر نمی‏تواند طبق ادعای مؤلف در زیدون باشد که پشت کوه است . چرا که خود تصریح کرده، که ریشهر برکنار دریاست .

خوانندگان ارجمند توجه دارند که چند مورد انگشت شمار سهو و اشتباه و حتی دو - سه برابر آن، در پژوهشی 700 صفحه‏ای از ارج و اعتبار این اثر نمی‏کاهد .